

چرا بعضی سخنی یا رویدادی را زود باور میکنند و بعضی باور نمیکنند .

مولانا به یقین بسیار اهمیت می دهد . یقین یعنی امری که شک و شبهه و اعتراض در آن راه ندارد مثل این که شما هر روز از مدرسه به منزل می روید این یقین است اگر صد نفر هم بگویند راه اشتباه است باور نمیکنید.

گر کسی در خود شناسی به یقین برسد هیچ چیز را زود قبول نمی کند اما کسی که به یقین نرسیده هر سخنی و یا رویدادی را زود قبول یا رد میکند اما بسیار این دو بهم نزدیک است و اشتباه سریع . مولانا مثال میزند

کسی که یقین ندارد هر حرفی برایش مؤثر است تبلیغ در این گونه افراد بسیار مؤثر است . مولانا میگوید جوی شیر و جوی خون کنار هم رواند یکی غذا و پاک یکی حرام و نجس

نور باقی پهلوی دنیای دون - شیر صافی پهلوی جوهای خون.

چون درو گامی زنی بی احتیاط - شیر تو خون می شود از اختلاط

چون در او گامی زنی بی احتیاط - شیر تو خون میشود از اختلاط

جهان این گونه است . حرام کنار حلال، پاک کنار نجس، افرادی که دگم نیستند و یقین هم ندارند و کمی هم علم دارند اینها یک بال دارند افتان و خیزان می روند

عقل جزوی گاه چیره گه نگون - عقل کلی آمن از ریب المنون

کسی که خود را خوب بشناسد تلقینات در او اثر ندارد .